

# شوروی يك اجتماع

صنعتی شده است نه سوسیالیستی

۲

و در آن زمان که باصطلاح طبقه پرولتر توانست زمام امور را در شوروی بدست بگیرد. طبقه کشاورز باصطلاح Payznonneries اکثریت جمعیت شوروی را تشکیل میداد (در ژانویه سال ۱۹۱۴ تعداد جمعیت شهری روسیه شوروی ۲۴ میلیون نفر ولی تعداد کشاورزان این کشور ۱۱۴ میلیون نفر بود. یعنی هنوز تمدن صنعتی مثل امروز در شوروی نفوذ نکرده و بوجود نیامده بود و تمدن صنعتی در شوروی در مرحله ابتدائی خود قرار داشت، (که خطرناک ترین و انقلابی ترین مرحله است).

در آن موقع که کارگران در پطروگراد انقلاب کردند. فقط طبقه‌ای از زارع و کشاورز به آنها پیوستند که مورد بی‌عدالتی مالکین بزرگ قرار گرفته بودند و مالک زمین خود نبودند. و حال اینکه ۸۰ درصد از زارعین روسی مالک زمین‌های خود بودند و مسلم است با انقلاب هم‌آهنگی نکردند. بنابراین وقتی بلشویک‌ها زمام امور این کشور را بدست گرفتند زمامداران و رهبران آنها همانطور که قبلاً وعده داده بودند به تقسیم ثروت بطور مساوی می‌ادارت نوزیدند و تمام کوشش‌وهم خود را در این کار مصرف نکردند بلکه از همان ابتدای کار به توسعه سریع صنعت و تمدن صنعتی پرداختند. و اگر ما گفته‌ایم که راجع به قبول داشته باشیم که کار رژیم کاپیتالیسم توسعه روز افزون تولید است بهر طریق که باشد. میتوان گفت که رژیم فعلی شوروی جانشین اصول کاپیتالیسم در شوروی گردید نه وارث آن.

رژیم شوروی در دوران استالین با صنعتی‌تر کردن سریع کشور در واقع مرحله دوم و سوم تمدن صنعتی را طی نمود همان مرحله‌ای را که رژیم‌های اکیونومی سوسیال Regime Economico - Social انگلستان و آمریکا نیم قرن پیش گذرانده بودند.

و اتحاد جماهیر شوروی پس از سی سال کوشش در واقع يك اجتماع صنعتی گردید. حال ما به این امر کار نداریم که مرحله صنعتی شدن شوروی سریع تر از آلمان غربی انگلستان یا آمریکا صورت گرفت یا خیر ولی چون لازمه اجتماعات و تمدن های صنعتی توسعه طبقه بورژوازی است می خواهیم از خود پرسیم که صنعت تا چه حد توسعه بورژوازی را در شوروی شامل بوده است. نباید فراموش کرد که با همه پیشرفت های صنعتی و علمی و تمدن ماشینی شوروی هنوز صد درصد از نظر صنعتی متمدن نشده است. او هنوز در بسیاری از موارد خیلی از کشور فرانسه که خود از بسیاری از کشورهای دیگر اروپا و آمریکا مثل سوئد و انگلستان عقب است عقب تر است. ولی يك امر قطعی است که تمدن صنعتی يك طبقه ممتاز در شوروی بوجود آورده است که تعداد آنها بدون بحساب آوردن اعضای فامیل به ۳۵۰ هزار نفر می رسند این طبقه ممتاز با اصطلاح نخبه که رهبران عالی رتبه احزاب و وزراء و رؤسای مؤسسات صنعتی و پلیس را شامل میشود. از امتیازات مخصوص مثل ویلای خصوصی اتومبیل و مستخدم استفاده میکنند (ولی البته این مزایا تا موقعی به آنها داده میشود که در شغل خود دچار اشتباه و شکست نشوند. اسم این طبقه را باید طبقه بورژوازی کلاس بالا نام گذارد) در ردیف دوم یعنی در زیر این بورژوازی کلاس بالا طبقه بورژوازی متوسط دیگری عرض اندام میکند که تعداد آنها ۷ میلیون نفر و اغلب متخصصین تکنسین های عالی مقام کارمندان عالی رتبه ادارات دولتی اطباء مهندسين روزنامه نگاران و رؤسای مؤسسات کوچک و غیره میباشد که از یک زندگی مرفه بورژوازی شبیه زندگی طبقات بورژوازی در کشورهای غربی اروپا استفاده میکنند و تقریباً بقاء و سر نوشت رژیم امروزی شوروی در روی شان این طبقه قرار دارد و این طبقه بقدری قوی است و طوری قدرت را بدست گرفته و کنترل میکند که ارزش های معنوی و مقدرات ایدئولوژی و آینده سیستم و رژیم فعلی شوروی بستگی به تصمیم آنها دارد. طبقه تکنسین و کارگر متخصص چند برابر کارگران عادی در شوروی توسعه یافته است.

این طبقه و طبقاتی که امور صنعتی و اداری و خدمات عمومی شوروی را اداره میکنند طوری با سواد و از اوضاع جهان مطلع شده اند که دیگر امروز اولیای حزب کمونیست نمیتوانند مثل دوران لنین و استالین و یا مالنکف آنها

را و ادار سازند که اصول خشک و ثوریک مرام مارکسیسم لنینیسم را کورکورانه تعقیب کنند.

چون علم و فرهنگ طوری در شوروی توسعه یافته است که دیگر نمیتوان با طریق سانسور فکری موقعیت حزبی را حفظ کرد و یا اینکه مردم را از نظر ایدئولوژیکی سانسور نمود. طبقه بورژوازی و اصول بورژوازی در شوروی ریشه دوانده است. توجه دولت به تهیه کالاهای مصرفی و لوکس برای جلب رضایت خاطر مردم خود دلیل این مدعا است. مدتی است که دولت حتی مالیات‌ها را فقط تا ۱۲۰۰ روبل تصاعدی تعیین کرده است. قوانین جدیدی مورد تصویب قرار گرفته است که اطفال شوروی میتوانند بعد از این وارث قسمتی از ثروت و اندوخته والدین خود باشند.

البته هنوز برای عالم غرب مسلم و معلوم نشده است که از طبقه بورژوازی که در شوروی بوجود آمده است و نیروی بزرگی را تشکیل میدهد چگونه فکر میکند و طرز تفکرش چیست؟ ولی این امر مسلم شده است که دیگر وحشت زمان استالین که مخالفین را تار و مار میکرد از بین رفته است حکومت پلیسی و ترور ناپود شده است دیگر سالها است که تصفیه حزبی یا تصفیه سیاسی در شوروی صورت نمیگیرد. مخالفین رژیم فقط از کار بیکار میشوند ولی دیگر به سبیره و یا بازداشتگاه‌ها فرستاده نمیگردند.

تمدن صنعتی در شوروی يك اجتماع جدیدی بوجود آورده است که فرقه با اجتماعات کاپیتالیستی در این است که تفرقه و نفاق و تناقض در بین آنها وجود ندارد و یا اقلاً این تناقضات در بین آنها کمتر بچشم میخورد.

خلاصه مطلب اجتماع فعلی شوروی و رهبران آنها که انقلاب ۱۹۱۷ و چندین برنامه پنج ساله را پشت سر گذاشته‌اند از این بیعد استفاده از نعمات و خوشی‌های زندگی را بر انقلاب ترجیح خواهد داد.

و هر چه بجلو برویم کنترل حزبی و ایدئولوژیکی در شوروی کم‌تر و نفوذ طبقه بورژوا بیشتر توسعه خواهد یافت ولی بهر حال باید منتظر آینده بود.